دانشگاه فرهنگیان: صد سال تربیت رسمی معلم در ایران، آری!
تداوم دارالمعلمین مرکزی، خیر!

دکتر زهرا گویا*

دکتر سهیلا غلام‌آزاد**

چکیده

بررسی اسناد تاریخ آموزش و پرورش در ایران نشان می‌دهد که تربیت معلمان در ایران، سابقه‌ای طولانی دارد. با وجود این، از زمان شروع تربیت معلم به طور رسمی و تأسیس دارالمعلمین مرکزی در ایران، صد سال می‌گذرد. با تغییرهای متعددی که در ساختار وزارت معارف ایجاد شد، دارالمعلمین نیز به‌تدریج از نظر ساختاری دچار تغییر و تحولهای بسیار شد و به حسب نیاز و شرایط ویژه سیاسی- اجتماعی، اشکال مختلفی به خود گرفت. بررسیهای تاریخی حاکی از آن است که این تحولات بیش از آنکه نشان‌دهندهٔ انسجام و تداوم باشد، نمایانگر گسست و گاهی سردرگمی است. از سویی هم در ابتدای دهه ۱۳۹۰، مراکز مسئول آموزش معلمان، در نهادی به نام «دانشگاه فرهنگیان» تجمیع شدند. این اتفاق، صرف‌نظر از چرایی و چگونگی آن، تصوری نادقیق ایجاد نمود مبنی بر اینکه این دانشگاه ادامه دهندهٔ کار دانشگاه تربیت معلم، دانشسرای‌عالی، دانشگاه تهران و دارالمعلمین عالی و مرکزی است. در صورتی که مطالعهٔ اسناد موجود در ایران، به‌ویژه اسناد موجود در مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، نشان می‌دهد که بخش اول این گزاره که «تربیت معلم به طور رسمی، در ایران صد ساله شد» دقیق است و بخش دوم که «دانشگاه فرهنگیان، تداوم بدون گسستِ این صد سال است»، دقیق نیست و اصرار بر آن، سبب ایجاد شبهه و کجروی می‌شود. همچنین، این مقاله به دنبال ارزیابی عملکرد نهادهای تربیت‌معلم در صد سال گذشته و قضاوت در مورد بهتر یا بدتر بودن آنها نسبت به یکدیگر نیست، بلکه تلاش دارد با نمایاندن مشابهتها و تفاوتها امکان درس‌آموزی از سیر تاریخی این نهادها را فراهم نموده تا در رفع ابهامات، پرهیز از تکرار اشتباهها و شناخت موفقیتها مؤثر باشد.

کلید واژگان: تربیت معلم، دارالمعلمین، دانشگاه تربیت معلم، دانشگاه فرهنگیان، مطالعهٔ اسنادی

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۳ تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۳۰

* استاد آموزش ریاضی، دانشکده علوم ریاضی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول) z-gouya@sbu.ac.ir

** استادیار آموزش ریاضی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش soheila_azad@yahoo.com

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]

مقدمه

خبر برگزاری جشن سدهٔ «دارالمعلمین» در ایران، موجی از شعف ایجاد کرد، زیرا این امر بیانگر تلاشی بی‌وقفه در راستای توسعه آموزشی از طریق تربیت معلمان در کشور است. این اتفاق سبب شد تا افراد گوناگون از زاویه‌های متنوع، این تاریخ صد ساله را بازخوانی کنند. «دارالمعلمین» در طول زمان، دچار دگردیسیهای بسیار شده و به حسب نیاز و شرایط ویژه سیاسی- اجتماعی، اشکال مختلفی به خود گرفته است. در این میان، خواسته یا ناخواسته، مناقشه‌ای مطرح شده است مبنی بر اینکه آیا نهادهای تربیت معلمی که در طول زمان، به دفعات جایگزین این نخستین نهاد رسمی تربیت معلمان در ایران شده‌اند، از نظر ماهیت و اهداف و رسالت و عملکرد و سایر ویژگیها، بدون گسستِ ماهوی، در یک پیوستار بوده یا آنکه هر کدام، یک «نوع[1]» و متعلق به زمان و موقعیتی خاص بوده‌اند. برای روشن شدن این مناقشه، در پژوهش حاضر، دهها و دهها سند مورد مطالعه قرار گرفته که بخش اساسی آنها، از طریق دسترسی مجازی (اینترنت) به «مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی» به دست آمده است. سند دیگری که بسیار آگاه‌کننده بود، سه جلد کتاب زنده‌یاد حسین محبوبی اردکانی در مورد «تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران» بود که با دقت تمام، به نهادهای آموزشی مدرن در ایران به عنوان «مؤسسات تمدنی جدید» پرداخته است. پس از آن، با غرق شدن در انبوه مصاحبه‌ها، سخنرانیها، یادداشتها و اظهارات مسئولان در مورد دانشگاه فرهنگیان که در حال حاضر، آخرین نهاد تربیت معلم در ایران است، این مناقشه با وضوح بیشتری نمایان شد و این سؤال شکل گرفت که آیا دانشگاه فرهنگیان، تداوم دارالمعلمین مرکزی در ایران است؟ زیرا در اغلب منابع رسمی- از جمله آنچه در پورتال وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دربارهٔ دانشگاه فرهنگیان نوشته شده، سایت «دانشگاه خوارزمی» و سایت «دانشگاه فرهنگیان»- این ابهام وجود داشت که انگار خط‌مشی و اهداف و رسالت و مأموریت دانشگاه اخیر، تداوم صد سال سابقه تربیت معلم در ایران است. در صورتی که مطالعه اسنادی انجام شده نشان می‌دهد که اگرچه «دانشگاه فرهنگیان» در حال حاضر متولی تربیت رسمی معلم در ایران است، اما از نظر معرفت‌شناختی و هستی‌شناسی و روش‌شناسی (غلام‌آزاد و گویا، ۱۳۹۵)، تفاوت ماهوی با «دارالمعلمین» دارد. این نکته از این جهت اهمیت دارد که برنامه‌ریزان و سیاستگذاران و تصمیم‌سازان، از این زاویه نیز به این دو نهاد مهم و اثرگذار بر جامعه آموزشی و تربیت معلمان در ایران توجه کنند.

1. Type

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]

روش تحقیق اسنادی[1]

با توسعه روزافزون منابع در عصر فناوری، جایگاه تحقیق اسنادی به منزلهٔ یکی از روشهای تحقیق کیفی، مورد توجه واقع شده است. این روش، شیوه ای نظام‌مند برای مرور و ارزیابی اسناد مکتوب و الکترونیکی به هر شکل موجود است. سندها شامل مکاتبات رسمی، مجموعه قوانین، عکسها، ثبت رویدادها، خاطره‌نویسیها، حاشیه‌های متنها، ایمیلها، مصاحبه‌ها، یادداشتها یا پستهای منتشر شده در انواع نشریات مکتوب، الکترونیکی، شبکه‌های اجتماعی و هر اثر حفظ شده دیگر است (بوون[2]، ۲۰۰۳، ۲۰۰۹). یکی از مهم‌ترین شیوه‌هایی که رعایت آن در تحلیل اسنادی ضروری است، مثلثی‌سازی (همسوسازی) است، زیرا گاهی برداشتهایی به عنوان نظرات اشخاص ثبت می‌شوند یا آنکه بخشی از یک واقعه در جایی و بخشی در جای دیگر ثبت می‌شود. این وظیفهٔ پژوهشگران است که تلاش کنند و با مقایسه و تفکیک و تجمیع دقیق، درست‌ترین و معتبرترین نتیجه را از داده‌های انبوهی که در دسترس دارند، استنتاج کنند (بوون، ۲۰۱۶). در تاریخ معاصر ایران، یکی از منابع پژوهشی معتبری که در این پژوهش، از آن برای فهم عمیق‌تر و منصفانه‌تر فرایند عمومی شدن آموزش به عنوان یکی از مؤسسه‌های تمدنی در ایران استفاده شده (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴، ۱۳۵۷ و ۱۳۶۸)، با همین روش تحقیق انجام شده است. در مقدمه‌ای که بر جلد اول این کتاب نوشته شده، آمده است که «مؤلف برای دستیابی به اسناد و مدارک لازم، بسیاری از کتب، رسالات، مجلات، نسخ خطی و حتی روزنامه‌ها را به دقت مورد بررسی قرار داده و از آنجا که در شناسایی سره از ناسره، حُسنِ تشخیص داشته است، به هر سند نامعتبری متوسل نشده و اثری از خود باقی گذاشته است که سالهای دراز پایدار و به یادگار خواهد ماند.»

در این پژوهش، داده‌های اصلی اسناد موجود هستند که سعی شده است با شناسایی اشتراکها و ویژگیها، فهم شفاف‌تری از سیر تحول تربیت معلم در ایران طی صد سال اخیر ارائه شود. مراحل انجام دادن پژوهش، شامل مراجعه غیرحضوری به مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، شورایعالی آموزش و پرورش، پورتال وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سایتهای دانشگاه خوارزمی و دانشگاه فرهنگیان، سایتهای معتبر اطلاع‌رسانی در ایران و سایر اسناد مکتوب و مجله‌های آموزشی وقت از جمله «مجله یغما» و «ماهنامه آموزش و پرورش» بوده است. برای مثلثی‌سازی داده‌ها، این اسناد طبق روشها و توصیه‌های بالا، با هم مقابله شدند تا فهم و درکی دقیق‌تر از آنها حاصل شود.

1. Document analysis
2. Bowen

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]

پیشینه مراکز تربیت معلمان در ایران

محبوبی اردکانی (۱۳۵۴) در بررسی تاریخی «مؤسسات تمدنی جدید در ایران»، مدرسه «دارالفنون» را مبدأ شکل‌گیری نیازی جدی برای تربیت معلم به عنوان یکی از نهادهای تمدنی جدید در ایران می‌شناسد. تلاش برای تأمین معلم از طریق دعوت از «خارجی»ها، اعزام افرادی خاص به «فرنگ» از زمان عباس میرزا که با عزمی راسخ‌تر دنبال شد، ادامه تأسیس مدارس در راستای پاسخگویی به نیازهای واقعی جامعهٔ آن زمان و بسیاری موارد دیگر، همگی به ایجاد دغدغه‌ای واقعی برای تربیت معلم انجامید. پژوهشهای وی آشکار کرده است که تقریباً «معلم» و «مدرسه» تفکیک‌ناپذیرند و هر دو چنان به هم وابسته‌اند که مطالعه یکی، به شناخت دیگری وابسته است. در نتیجه، شناخت رویکرد نظری هر نظام آموزشی و چرایی و چگونگی تبیین اهداف تربیتی صریح یا ضمنی در هر نهاد آموزشی و عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری آن، یک ضرورت است. برای نمونه، بررسی نظامها و نهادهای آموزشی آشکار می‌سازد که تأثیر دو عامل «سیاست» و «ایدئولوژی»، آنقدر قوی است که می‌تواند با نوآوریهای آموزشی رقابت کند و برای آنها محدودیت ایجاد کند.

در این زمینه، فراستخواه (۱۳۹۶) بر این باور است که «غلبه امر سیاسی بر تعلیم و تربیت و انواع و اقسام موانع نمی‌گذارد تعلیم و تربیت تحول بیافریند» و به نقل از آلتوسر[1]، بیان می‌دارد «وقتی که تعلیم و تربیت، ابزار ایدئولوژی دولت شد، درمانده می‌شود». او راه چاره را در بازگشت به «کنش تعلیم و تربیتی» می‌بیند. وی سپس یک دسته‌بندی از نُه نسل «کنشگران تعلیم و تربیت نوآور» در ایران ارائه می‌دهد که می‌تواند راهنمایی ارزنده برای مطالعات تاریخی در حوزه مدرسه و تربیت معلم باشد.

۱. نسل امیر کبیر؛ ۱۲۳۰، دارالفنون
۲. نسل رشدیه؛ ۱۲۶۶، جنبش مدرسه‌سازی ملی
۳. نسل احتشام‌السلطنه؛ ۱۲۸۶، آموزش فنی وحرفه‌ای
۴. نسل کمال‌الملک؛ آموزش هنر و مدرسه صنایع مستظرفه، ۱۲۹۵
۵. نسل ابوالحسن فروغی؛ جنبش تربیت معلم، ۱۲۹۸-۱۲۹۷
۶. نسل عبدالعظیم قریب؛ تدوین دستور زبان فارسی (دوره مشروطه و پهلوی اول)
۷. نسل باغچه‌بان ۱۳۰۳؛ جنبش کودکستانی و مدارس مختلط و ناشنوایان

1. Althusser

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]

۸. نسل هوشیار – رهنما – میرهادی؛ جنبش نهادسازی آموزش و ادبیات کودک در دهه ۳۰ و ۴۰

۹. نسل بهمن‌بیگی؛ جنبش آموزش عشایری در دهه ۳۰.

فراستخواه (۱۳۹۶) با شرح تحولاتی که در هر یک از این نُه نسل رخ داده، به این نتیجه رسیده است که «تعلیم و تربیت، نیاز به کنشگرانی دارد که دائماً نوآوری کنند و به نیازهای نوپدید، پاسخ دهند و خلاقیتهای تازه‌ای نشان دهند». وی به استناد سیر تاریخی آموزشی در ایران، نشان می‌دهد که «هرجا که لایه‌هایی از حکومت که به فکر سرزمین هستند و عقل‌گرا و تحول‌خواه هستند و مسئولیتهای مدیریتی خود را می‌شناسند، در کنار این نوگرایان تربیتی، هم افزایی ایجاد می‌کنند[۱]». در بررسی تاریخی نهادهای رسمیِ مربوط به تربیت معلمان در ایران نیز، علاوه بر مؤلفه‌های اثرگذار متعدد، تأثیر دو عامل بالا، به وضوح دیده شده است. در این بخش به ترتیب تاریخ و با نگاهی تحلیلی، این مراکز به اختصار معرفی می‌شوند.

تحصیل در ایران؛ از خانه‌های دانش تا اکابر[۲]

پس از انقلاب مشروطیت، اولین مجلس شورای ملی در ایران تشکیل شد و از همان ابتدا، دغدغه آموزش عمومی و توسعه آن، در دستور کار آن قرار گرفت تا اینکه در سال ۱۲۹۰ شمسی، قانون «تعلیمات اجباری» را به تصویب رساند. طبق این قانون و متممی که در قانون اساسی مشروطه بود، از سال ۱۲۹۴ دولت مکلف شد که بر تمام امور آموزشی از کودکستان تا آموزش عالی، نظارت داشته باشد و زمینه را برای اجرایی کردن این قانون فراهم کند. این تکلیف نشان می‌دهد که از ابتدای تشکیل نهادهای آموزشی رسمی، نظام آموزشی ایران متمرکز پیش‌بینی شده بود.

تا پیش از انقلاب مشروطیت در سال ۱۲۸۵ و تشکیل نظام آموزشی رسمی در ایران، بعضی کودکان از طریق مکتب‌خانه‌های سنتی، به آموزش مشغول بودند. همچنین معمولاً مکتب‌خانه‌ها را مراکز دینی اداره می‌کردند و کودکان علاوه بر مباحث دینی و قرآن و صرف و نحو عربی که تمرکز اصلی بر آنها بود، کمی هم خواندن و نوشتن و حساب‌کردن می‌آموختند. البته در همان زمان، مبلغان (مسیونر)های مذهبی که اغلب اروپایی بودند چند مدرسه را در ایران تأسیس کردند. پس از این ایام، مدرسه «دارالفنون» در سال ۱۲۲۵ شمسی پایه‌گذاری شد.

---

۱. ذکر شماره صفحه‌ای که نقل قول مستقیم از آن شده، مقدور نبود. زیرا مطلب با آدرس اصلی، از اینترنت و در فرمت دیگری بازیابی شده است.

۲. برگرفته شده از سایت http://ayam.jamejamonline.ir

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]

تأسیس دارالفنون و پایه‌گذاری آموزش نوین در ایران

در دورهٔ ناصرالدین شاه قاجار و در زمان صدارت میرزا تقی‌خان امیرکبیر، فکر ایجاد یک مرکز آموزش عالی قوی در ایران، تقویت شد و در سال ۱۲۶۷ هجری قمری، «مدرسه دارالفنون» در محل ارگ شاهی تأسیس شد. ابتدا، این مدرسه با معلمان فرانسوی شروع به کار کرد و شماری از افرادی که زبان خارجی می‌دانستند، درسهای آنان را ترجمه می‌کردند و در اختیار دانشجویان قرار می‌دادند. همزمان با تأسیس دارالفنون، برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز این مدرسه اعزام دانشجو به خارج نیز آغاز شد و خبر راه‌اندازی این مدرسه، در شماره ۲۹ روزنامه «وقایع اتفاقیه»، در ۳۰ مرداد ۱۲۳۰، منتشر شد (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴). با وجود اینکه هدف اولیه از تأسیس این مدرسه، تربیت نیرو برای ورود به عرصهٔ دیوان‌سالاری نوین و پاسخگویی به نیازهای دستگاه حکومتی اعلام شده بود، ولی فکر ایجاد آموزش عمومی و همگانی نیز با این اقدام تقویت شد. در دارلفنون، «معلمین خارجی و ایرانی به کمک مترجمین خود، به دانش‌آموزان کلاس اول درس می‌دادند و شاگردانی که درسشان خوب بود و به نام خلیفه (دستیار معلم) نامیده می‌شدند، به همراه مترجمین یاد شده، به کلاس دوم و سوم آنها درس می‌دادند (خلخالی و تقدیری، ۱۳۹۱). از نظر ظهوری زنگنه (۱۳۹۴)، «این روش آموزش از منظر سیر تحول برنامه درسی ریاضی در آموزش عالی، اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا که در حقیقت، نقطه عطفی در تاریخ تألیف کتابهای درسی ریاضی در ایران است» (صص. ۱۰۲ و ۱۰۳).

تأسیس وزارت علوم[1]

در سال ۱۲۳۹ شمسی، «وزارت علوم» در ایران تأسیس شد و علیقلی‌خان اعتضادالسلطنه، اولین وزیر علوم در ایران شد و اداره مدرسه دارالفنون به این وزارتخانه سپرده شد. یغمایی (۱۳۵۷) اظهار می‌دارد که پس از انقلاب مشروطیت در سال ۱۲۸۵ شمسی و تصویب قانون اساسی و متمم آن، وزارت علوم به «وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه» تغییر نام یافت. پس از آن، «قانون اداری» این وزارتخانه در ۱۱ شهریور ۱۲۸۹ و با فاصله کوتاهی، «قانون اساسی معارف» در سال ۱۲۹۰، به تصویب مجلس شورای ملی رسید. طبق این دو قانون، مسئولیت آموزش و پرورش به طور رسمی، به دولت واگذار شد و طبق ماده دهم قانون اداری، وظایف آموزشی این وزارتخانه شامل «حل غوامض امور معارف، تسویه اختلافات بین مکاتب و مدارس و رد و قبول تالیف معینه

۱. لازم به توضیح است که اولین «وزارت علوم»، با وزارتخانه‌ای که ابتدا در سال ۱۳۴۳ به عنوان بخشی از وزارت آموزش و پرورش از وزارت فرهنگ جدا شد و بعد در سال ۱۳۴۶ مستقل شد، تفاوت دارد.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]

برای مدارس و مکاتب» تعریف شد. در قانون اساسی معارف، تکالیف و وظایف وزارتخانه بسیار روشن و منظم در ۲۸ ماده مشخص شده و برای نخستین‌بار، تعلیمات اجباری، مجانی و همگانی توصیه شده است (پیوست الف) (منبع: مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی ایران[1]).

قانون اساسی معارف در زمان وزارت ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک) از تصویب مجلس گذشت و بر اساس آن برنامه‌های درسی نوشته شدند. در زمان همین وزیر، قانون اعزام ۳۰ تن از جوانان مستعد کشور برای تحصیل در خارج از کشور و کسب مدارج عالی تصویب و مقرر شد که ۱۵ نفر آنان در رشته تعلیم و تربیت به تحصیل بپردازند و پس از بازگشت به کشور به معلمی مشغول شوند. طرح تشکیل دارالمعلمین و نظامنامه آن در همین زمان تهیه شد، اما مشکلات مالی و بی‌نظمیهای اجتماعی مانع از تأسیس دارالمعلمین و اجرای قانون اساسی معارف شد تا آنکه نوبت وزارت به میرزا احمد خان بدر (نصیرالدوله) رسید.

قانون اساسی معارف (پیوست الف)، حاوی نکات قابل توجهی است که توجه به آنها، شناخت خواننده را از این پدیده مهم آموزشی در ایران، عمیق‌تر می‌کند. این قانون، در اولین ماده‌اش، هدف از تأسیس مدرسه و نقش آن را در تربیت همه‌جانبه کودک اعلام کرده و تأکید کرده است که «مکتب و مدرسه عبارت است از تأسیساتی که برای تربیت اخلاقی و علمی و بدنی ابناء نوع دائر می‌گردد». نکته بعدی اعلام «تمرکز» نظام آموزشی است که «پروگرام مدارس و مکاتب از طرف وزارت معارف معین می‌گردد». در بند سوم قید شده که «تعلیمات ابتدائیه» برای همه «اجباری» است و پس از آن آمده است که «طریق تحصیل آزاد است»، اما همه باید «آن اندازه از معلوماتی را که دولت برای درجهٔ ابتدایی معین نموده»، به دست آورند. به همین ترتیب در بند بعدی، در حقیقت منظور از واژه «اجباری» بودن آموزش را مشخص و والدین را مکلف کرده است که «اطفال خود را از سن هفت، به تحصیل معلومات ابتدائیه وادارند». در همین قانون اساسی، قید شده که «ملل غیر اسلامی در مدارس دولتی، حق تقاضای تحصیل مذهب خودشان را ندارند، مجبور به تحصیل شرعیات اسلامی نیز نخواهند بود» که نشان می‌دهد منعی برای ورود «خارجیها» به مدرسه‌های دولتی وجود نداشته است. افزون بر این، بر آموزش دینی تأکید شده که «پروگرام مکاتب و مدارس ابتدائیه و متوسطه باید تعلیم واجبات دینی را به قدر لزوم شامل باشد». در بند آخر هم تنبیه بدنی، ممنوع اعلام شده بود (شاکر، ۱۳۹۱).

1. https://rc.majlis.ir/fa

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]

برای اجرایی کردن این برنامه، نیاز به معلمان آموزش دیده‌ای بود که با اهداف کلان برنامه آشنا بوده و مهارتهای لازم را کسب کرده باشند. در نتیجه، ضرورت احداث مؤسساتی برای تأمین نیروی انسانی لازم- شامل معلمان و آموزگاران، مدیران و مربیان- ایجاد شد. به این ترتیب، تأسیس مراکز آموزش عالی برای تربیت معلم و همزمان با آنها، اصلاح برنامه‌ها و قوانین آموزشی، آغاز شد (طاهرنیا، ۱۳۹۷).

سیر تاریخی مراکز تربیت معلم در ایران

با گسترش مدارس جدید در اواخر سلطنت قاجار، مجلس شورای ملی لایحه تأسیس «دارالمعلمین» را برای تربیت آموزگاران مرد و «دارالمعلمات» را به منظور تربیت آموزگاران زن، بین سالهای ۱۲۹۷- ۱۲۹۶، تصویب کرد. علاوه بر این، مقرر شد که «کادر آموزشی مدارس» نیز در این دو مرکز تربیت شوند. در سال ۱۲۹۸ شمسی، «دارالمعلمین مرکزی» در تهران تأسیس شد. این اتفاق در تاریخ آموزشی ایران اهمیتی ویژه دارد، زیرا همان‌طور که عیسی صدیق (۱۳۵۴) بیان کرده است، «دولت برای اولین بار، رسماً به تربیت آموزگار، در داخل مملکت، اقدام کرد» و آموزش رسمی معلمان از این زمان شروع شد. پس از آنکه شورای‌عالی معارف «نظامنامه دارالمعلمین» را تصویب کرد، «میرزا ابوالحسن‌خان فروغی» مسئول پیگیری و راه‌اندازی آنها شد. اولین دارالمعلمین، دارای دو کلاس بود: یکی برای تربیت آموزگاران در مدارس ابتدایی و دیگری برای تربیت دبیر در دبیرستانها و ابوالحسن‌خان فروغی، نخستین رئیس نهاد تربیت معلم در ایران شد.

پیش از تأسیس دانشسراها، وزارت معارف اقدام مهم دیگری در زمینهٔ تربیت معلم انجام داد: با افزایش تعداد دبیرستانها برای تأمین معلم، در تشکیلات دارالمعلمین تجدید نظر شد و در سال ۱۳۰۷ شمسی، «دارالمعلمین عالی» برای تربیت معلمان دبیرستان، از دارالمعلمین مرکزی جدا و مستقل شد. در ادامه برنامه‌های تربیت معلم و نوسازی و توسعه آموزشی، در سال ۱۳۱۲ لایحه تأسیس دانشسراهای مقدماتی و عالی به تصویب مجلس رسید تا معلمانی «آشنا با اصول جدید تعلیم و تربیت»، مسئولیت آموزش دانش‌آموزان را عهده‌دار شوند. ازجمله اقدامات مهم دولتی، تأسیس دانشسراهای مقدماتی برای تربیت آموزگار و وضع قوانین مخصوص برای تثبیت مقام معلم و تأمین آینده آنان بود که در زمان وزارت علی‌اصغر حکمت به تصویب مجلس رسید. وی پیش از این هم، تربیت معلم را سرلوحه کارش قرار داده و با راه‌اندازی «مجله تعلیم و تربیت»، در این مسیر گام برداشته بود. علی اکبر سیاسی که از طراحان تربیت معلم بود، بیان کرد که تصویب لایحه قانون تربیت معلم، «بدون سر و صدا انقلابی عظیم در فرهنگ ایران ایجاد نمود». طبق این قانون،

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]

شرط ورود به دانشسراهای مقدماتی، داشتن تحصیلات سه ساله متوسطه (سیکل اول) و شرط ورود به دانشسراهای عالی، داشتن گواهینامه کامل متوسطه (پایان سیکل دوم و اخذ دیپلم) بود.

دارالمعلمین عالی دارای دو شعبه علمی و ادبی بود که شعبه علمی شامل رشته‌های «فیزیک و شیمی»، «طبیعات» و «ریاضیات» بود و شعبه ادبی دارای رشته‌های «فلسفه و ادبیات» و «تاریخ و جغرافی» بود (صافی، ۱۳۹۳). این نهاد هم دیری نپایید و در قانون تربیت معلم که در سال ۱۳۱۲ به تصویب رسید، در زمان ریاست «عیسی صدیق»، به «دانشسرای عالی» تغییر نام یافت. «دانشسرای عالی دارای دو بخش علمی و ادبی و یک شعبه علوم تربیتی بود. در شعبه علوم تربیتی، روان‌شناسی، علوم اجتماعی، فلسفه تربیت، اصول تعلیم و تربیت و تشکیلات معارفی، اصول تربیت معلم، تاریخ تعلیم و تربیت و مبانی تعلیمات متوسطه تدریس می‌شد» (تربیت معلم در اسناد شورای‌عالی آموزش و پرورش، به نقل از صافی، ۱۳۹۳). پس از تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳، دانشسرای‌عالی استقلال خود را از دست داد و به دانشگاه تهران ملحق شد. در این تغییر، آموزش بخش علمی به دانشکده علوم و بخش ادبی به دانشکده ادبیات واگذار شد (صافی، ۱۳۸۷، نقل شده در صافی، ۱۳۹۳). در سال ۱۳۳۸، یک بار دیگر دانشسرای‌عالی از دانشگاه تهران جدا شد و زیر نظر مستقیم وزارت معارف (آموزش و پرورش فعلی) قرار گرفت.

دانشسرای‌عالی در ۳۱ مرداد ۱۳۴۲، به دلایلی که مستندات کافی برای آن در دست نیست، از سوی هیئت وزیران منحل شد و «سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی» جایگزین آن شد، اما این دوره هم چندان دوام نیاورد و به دلیل ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای تربیت دبیر، بار دیگر در سال ۱۳۴۶، دانشسرای‌عالی با چهار مؤسسه «تربیت دبیر»، «تربیت مدیر و راهنمایان تعلیماتی»، «مدرسی ریاضیات» و «تحقیقات تربیتی»، دایر شد. سرانجام در سال ۱۳۵۳، از دل این تغییر و تحولات، دانشگاه «تربیت معلم» متولد شد و در سال ۱۳۹۰، با یک تغییر ساختاری که تعطیلی رشته‌های دبیری بود، این دانشگاه با نام «دانشگاه خوارزمی»، فعالیت خود را ادامه داد. در همین سال، همهٔ امور مربوط به تربیت معلم برای تمام سطوح آموزشی، به «دانشگاه فرهنگیان» واگذار شد که از تجمیع مراکز تربیت معلم به وجود آمد و در حال حاضر، نهاد مرجع برای آموزش معلمان در ایران است. در ادامه بحث، خط‌مشی کلی، اهداف، برنامه‌های آموزشی و نیروی انسانی این مراکز، مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

قانون اجازه تأسیس دانشسراهای مقدماتی و عالی

قانون اجازه تأسیس دانشسراهای مقدماتی و عالی در اسفند ۱۳۱۲ شمسی، به تصویب رسید (پیوست ب) (منبع: مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی ایران). نکته‌هایی قابل ملاحظه در این

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]

قانون وجود دارد که به درک بهتر سیر تاریخی تربیت معلم در ایران کمک می‌کند. برای مثال، هر دو نوع دانشسرا، «شبانه‌روزی و مجانی» بودند، بودجه توسعه آن مشخص شده و دولت مکلف شده بود که «از سال ۱۳۱۳ تا ده سال اعتباری سالیانه که از پانصد هزار ریال کمتر نباشد در بودجه مملکتی برای بنای دانشسراها منظور نموده همه‌ساله به مصرف مزبور برساند». یک وجه با اهمیت این قانون، این بود که «هر یک از دانشسراها یک دبستان یا یک دبیرستان ضمیمه خواهد داشت که شاگردان سال دوم در آنجا تمرین و ممارست نمایند». مدارس «ضمیمه» دانشسراها، در حقیقت همان «مدارس تجربی[1]» بودند که الگوی آن از دانشگاه شیکاگو و آموزه‌های جان دیویی گرفته شده بود و درسهای تدریس عملی یا «کارورزی[2]»ها، در این مدرسه‌ها و زیرنظر معلمان آنها، آموخته می‌شد- آنچه که دانشگاه فرهنگیان برای ایجادش، در حال تلاش است. با وجود اینکه به سبب هزینه‌هایی که برای دانشجو- معلمان می‌شد، از آنها تعهد استخدامی گرفته می‌شد، اما با این حال قید شده بود که «در سال اول، خدمت آنها آزمایشی خواهد بود. چنانچه وزارت معارف آنها را مستعد شغل معلمی تشخیص ندهد، می‌تواند سال بعد آنها را از خدمت معلمی معاف نماید» و مانع خسارت وارد کردن معلم ناتوان به دانش‌آموزان شود (مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی ایران). این نگاه دوراندیشانه بود، زیرا منفعت درازمدت را فدای ضرر کوتاه‌مدت نمی‌کرد.

گذشته از قوانین ساختاری، از منظر آموزشی نیز رشته‌های دانشسرای‌عالی، درسهای دوره متوسطه را پوشش می‌داد و شامل فیزیک، شیمی، ریاضی، طبیعی، ادبیات فارسی، زبان خارجی، فلسفه و علوم تربیتی، تاریخ و جغرافیا، تربیت بدنی و خانه‌داری بودند. طول دوره تحصیل سه سال بود و به فارغ‌التحصیلان، مدرک لیسانس «آموزش دبیری» یا «دانشنامه معلمی» اهدا می‌شد. دانشجویان همچنین در طول تحصیل خود، ماهیانه مبلغ ۱۵۰۰ ریال به عنوان کمک هزینه دریافت می‌کردند و در مقابل آن متعهد می‌شدند که به مدت پنج سال، به خدمت دبیری اشتغال داشته باشند.

تأسیس دانشگاه تربیت معلم

در سال ۱۳۳۸ به منظور تأمین آموزگاران مورد نیاز دبستانهای کشور و رفع کمبود معلم، تصمیم گرفته شد که با منحل کردن دانشسراهای مقدماتی، دوره یکساله تربیت معلم برپا شود. از دلایل اتخاذ این تصمیم این بود که تربیت معلم مورد نیاز از طریق دانشسراهای مقدماتی در مقایسه با تربیت معلم یکساله به مدتی طولانی‌تر احتیاج داشت و ایجاد دانشسراهای مقدماتی شبانه‌روزی جدید متضمن مخارج بیشتری می‌شد، درصورتی که تربیت معلم یکساله چون به صورت روزانه

1. Experimental Schools
2. Practicum

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]

اداره می‌شد و مشکل تأمین خوابگاه و سایر تجهیزات شبانه‌روزی لازم را نداشت و مدت تحصیل در این مراکز کوتاه‌مدت بود، در نتیجه تربیت معلم سریع‌تر و ارزان‌تر صورت می‌گرفت و راه حلی مناسب برای مقابله با بحران کمبود معلم به نظر می‌رسید. شرط ورود به این دوره داشتن دیپلم کامل متوسطه بود و به فارغ‌التحصیلان آن، مدرک «فوق دیپلم» داده می‌شد. با شروع کار سپاهیان دانش پسر در سال ۱۳۴۱ کلاسهای تربیت معلم یکساله پسران تعطیل شد و با ایجاد برنامه سپاهیان دختر در سال ۱۳۴۷ دوره یکساله تربیت معلم به طور کامل منحل شد. یکی از دلایل مهم این موضوع این بود که فارغ‌التحصیلان این دوره که معلمی را شغل موقت می‌دانستند، به محض پذیرفته شدن در دانشگاهها آن را رها می‌کردند.

مؤسسه تربیت دبیر: داوطلبان تحصیل در این مؤسسه از میان لیسانسیه‌های تعلیماتی دانشکده‌های علوم و ادبیات بر حسب احتیاج وزارت فرهنگ و از طریق مسابقه طبق آیین‌نامه و شرایط مخصوصی که به تصویب شورای مرکزی دانشگاهها رسیده بود، انتخاب می‌شدند. در ضمن مادامی که لیسانسیه‌های تعلیماتی (افرادی که در دو رشته تحصیل کرده بودند و می‌توانستند آنها را تدریس کنند) به تعداد کافی وجود نداشت، پذیرش لیسانسیه‌های آزاد در رشته‌های علوم و ادبیات یا لیسانسیه‌های دانشکده‌هایی که تحصیلات آنان برای تدریس در دبیرستانها مناسب بود، بلامانع بود. وزارت فرهنگ به فارغ‌التحصیلان مؤسسه تربیت دبیر دانشنامه دبیری می‌داد. دوره تحصیل در آن یکساله بود و وزارت فرهنگ مکلف بود فارغ‌التحصیلان آن را با رتبه دوم اداری استخدام کند. داوطلبان کتباً تعهد خدمتی پنج ساله می‌سپردند. آنان برای تدریس در دو مرحله مقطع متوسطه (متوسطه اول و دوم) تحصیل می‌کردند.

مؤسسه تربیت مدیر و راهنمایان تعلیماتی: این مؤسسه به‌منظور تربیت مدیران دبستانها و راهنمایان تعلیماتی تأسیس شد. داوطلبان تحصیل در این مؤسسه باید دارای گواهینامه کامل متوسطه و هفت سال سابقه خدمت آموزگاری در مدارس دولتی بودند و در مسابقه ورودی پذیرفته می‌شدند.

مؤسسه تحقیقات تربیتی: یکی از چهار مؤسسه سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی بود و مدیر مسئول آن از طرف وزیر فرهنگ برای مدت سه سال انتخاب می‌شد. این مؤسسه در آغاز کار دارای دبیرخانه و کتابخانه فنی و آزمایشگاه روانشناسی و روان‌سنجی و گروه استادیاران و دستیاران تحقیق و کارآموزان و همچنین مجهز به ماشینهایی برای محاسبات آماری بوده است. از اهم وظایف آن تألیف کتب و نشریات آموزش و پرورش، ارزشیابی برنامه‌ها و روشهای گوناگون آموزش و

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]

پرورش، سنجش میزان معلومات و تحصیلات دانش‌آموزان در مراحل مختلف تحصیلی و تربیت متخصصان تربیتی بود، لذا با تأسیس مؤسسه تربیت معلم که هسته مرکزی دانشگاه تربیت معلم بود، امور گوناگون تعلیم و تربیت اعم از تربیت دبیران و مدیران و تهیه و تأمین تجهیزات مورد نیاز مدارس و مراکز آموزشی در حوزه اختیار این مؤسسه قرار گرفت.

پس از تأسیس دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۵۳، وزارت علوم و آموزش عالی برای توسعه تربیت معلم، زمینه‌ساز تأسیس چند مرکز شهرستانی زیر نظر این دانشگاه شد (وب سایت دانشگاه خوارزمی[1]) که مشابه آن را می‌توان با اندکی تساهل و تسامح، «پردیس»های دانشگاه فرهنگیان در حال حاضر دانست.

- دانشسرای‌عالی زاهدان: سال ۱۳۵۳
- دانشسرای‌عالی سنندج: سال ۱۳۵۳
- دانشسرای‌عالی یزد: سال ۱۳۵۳
- مدرسه عالی علوم اراک[2]: سال ۱۳۵۰
- مدرسه عالی علوم کاشان[3]: سال ۱۳۵۳
- دانشگاه تربیت معلم سبزوار[4]: سال ۱۳۶۶
- شعبه دانشگاه تربیت معلم در تبریز: سال ۱۳۶۸

یکی از مؤسسه‌های تشکیل دهنده دانشگاه تربیت معلم که به منظور «تربیت مدرس ریاضی» تأسیس شد، «مؤسسه مدرسی ریاضی مصاحب» بود که هدف آن، تربیت مدرس ریاضی – نه دوره آموزشی منجر به مدرک بالاتر– بود. سیر تاریخی مؤسسه چنان که در سایت دانشگاه خوارزمی آمده، این است که «در ۱۵ آذر ۱۳۴۴، در نود و پنجمین جلسه شورای مرکزی دانشگاهها،

1. https://khu.ac.ir/

۲. در سال ۱۳۵۰، به همت شادروان پرویز شهریاری و تعدادی از استادان دانشگاه تهران و دانشسرای عالی سابق، «مدرسه عالی مرجان» در اراک به عنوان یک مؤسسه خصوصی آموزش عالی و در چهار رشته فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی با پذیرش ۴۸۰ دانشجو تأسیس شد. در سال ۱۳۵۱، نام «مدرسه عالی مرجان به «مدرسه عالی علوم اراک» تغییر یافت و وابسته به دانشگاه تربیت معلم تهران شد و رشته ریاضی هم در آن دایر شد. این مدرسه عالی در آذر سال ۱۳۶۸، استقلال یافت و با نام «دانشگاه تربیت معلم اراک»، به فعالیت خود ادامه داد و بالاخره در سال ۱۳۷۰، با افزوده شدن رشته علوم تربیتی با گرایش تکنولوژی آموزشی و رشته دبیری الهیات و معارف اسلامی، تبدیل به دانشگاه دولتی اراک شد.

۳. در سال ۱۳۵۳، «مدرسه عالی علوم کاشان» با دو رشته ریاضی و فیزیک و پذیرش ۲۰۰ دانشجو تأسیس شد و در سال ۱۳۶۹، با چهار دانشکده، به دانشگاه کاشان تبدیل شد.

۴. این دانشگاه، در سال ۱۳۶۶ به عنوان شعبه‌ای از دانشگاه تربیت معلم تهران تأسیس شد و با پذیرش ۱۶۴ نفر دانشجو در چهار رشته دبیری الهیات، دبیری زبان و ادبیات فارسی، دبیری زبان و ادبیات عرب و دبیری ریاضی در مقطع کارشناسی، شروع به کار کرد.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]

مصوبه‌ای در خصوص تأسیس یک دوره دو ساله به منظور تربیت مدرس ریاضی برای دانشکده‌های علوم شهرستانها در سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی (دانشگاه خوارزمی فعلی) گذرانده شد». پس از آن، دکتر غلامحسین مصاحب، مسئول راه‌اندازی آن شد و از مهر ۱۳۴۵، با اولین گروه «لیسانسیه»های ریاضی از سراسر ایران، آغاز به کار کرد. «این مؤسسه صرفاً کاربرد آموزشی داشت و به منظور جذب دانشجویان مستعد ماده خاصی (ماده ۵) در اساسنامه سازمان تربیت معلم گنجانده شد مبنی بر اینکه وزارت آموزش و پرورش[1] موظف است که دانش‌آموختگان این مؤسسه را پس از پایان تحصیل، به منظور تدریس در دانشگاه‌های علوم شهرستانها با حقوق و مزایای استادیاری به خدمت بگیرد.»

پس از بازگشایی دانشگاهها در سال ۱۳۶۳ و یکسان شدن برنامه آموزشی آنها، دوره مدرسی مصاحب نیز تعطیل شد و «مؤسسه موظف به پذیرش دانشجوی کارشناسی ارشد ریاضی شد که این کار تا پایان شهریور ۱۳۷۶ یعنی زمان انتقال وظایف آموزشی مؤسسه به دانشکده ریاضی دانشگاه خوارزمی ادامه یافت». اتفاق قابل مطالعه در این انتقال این است که «در سال ۱۳۷۶ وظایف آموزشی مؤسسه متوقف شد و به پیشنهاد اعضای هیأت علمی آن، نام مؤسسه به مؤسسه تحقیقات ریاضی دکتر غلامحسین مصاحب تغییر یافت و وظایف آن صرفاً پژوهشی شد» (سایت دانشگاه خوارزمی). در حقیقت، این تاریخ نیز در جای خود نیازمند بازخوانی است که چگونه یک نهاد «صرفاً آموزشی»، تبدیل به یک نهاد «صرفاً پژوهشی» شده است و فرهنگ سازمانی و سنتهای یادگیری، در این انتقالها چگونه نقش‌آفرینی کرده‌اند.

دانشگاه فرهنگیان

دانشگاه فرهنگیان، دانشگاهی «مأموریت–محور و استراتژیک» برای تأمین، تربیت و توانمندسازی معلمان و نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش در ایران است که در دی ۱۳۹۰، با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و با تجمیع کلیه مراکز تربیت معلم سراسر ایران تأسیس شد و از سال ۱۳۹۱ شروع به کار کرد. برای شناخت دقیق‌تر اهداف این دانشگاه، بخشهایی از اساسنامه آن که در جلسه ۷۰۴ مورخ ۹۰/۱۰/۶ شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و بنا به پیشنهاد مورخ ۹۰/۶/۲۸ وزیر آموزش و پرورش، به تصویب رسید و برای اجرا ابلاغ شد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

---

۱. وزارت علوم و آموزش عالی در سال ۱۳۴۶ از وزارت آموزش و پرورش جدا شد. در سالهای تصدی مسئولیت مؤسسه از سوی دکتر مصاحب (۱۳۵۷–۱۳۴۵) ۷۴ نفر در ۱۳ دوره از مؤسسه «مدرس» شدند و برای تدریس در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی تازه‌تأسیس، روانه شهرهای گوناگون ایران شدند.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]

رئیس «دانشگاه» با پیشنهاد وزیر آموزش و پرورش، تأیید وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و با حکم وزیر آموزش و پرورش برای مدت چهار سال منصوب می‌شود. اهدافی که برای دانشگاه فرهنگیان تبیین شده، برگرفته از مأموریتی است که برای آن پیش‌بینی شده است. این اهداف، بیشتر آرمان‌گرایانه هستند و انتظار می‌رود که دانشجو- معلمان، دانش‌آموختگانی در «طراز» آرمانهای «ایدئولوژیک» و «سیاسی» قانون‌گذاران شوند. یعنی علاوه بر اینکه از نظر علمی و تربیتی سرآمد باشند، بتوانند «در نهضت تولید علم» و «افزایش سهم تولیدات علمی» در کشور نیز «مشارکت» داشته باشند. با وجود این، به صراحت معلوم نشده است که ویژگی استادان این دانشگاه چه باید باشد تا بتوانند چنین تواناییهایی را در دانشجو- معلمان ایجاد کنند و آنان را به چنین جایگاه رفیعی برسانند که هم در «کاربردی کردن دستاوردهای علمی و پژوهشی» سهم داشته باشند و هم «از طریق تعامل پویا و سازنده با حوزه‌های علمیه»، ایفای نقش کنند. این در حالی است که برنامه آموزشی دانشگاه فرهنگیان سنگین‌تر از سایر دانشگاههاست و دانشجویان ناگزیر به گذراندن ۱۵۰ واحد درسی شامل چهار درس کارورزی هستند که هر یک به ارزش یک واحدند، ولی نسبت به درسهای نظری، چهار برابر وقت به هرکدام اختصاص دارد. همچنین از دانش‌آموختگان این دانشگاه انتظار می‌رود که علاوه بر تخصص موضوعی، در طراز آرمانهای ایدئولوژیک و سیاسی نیز، تربیت شوند. اجرایی کردن برنامه‌های آرمانی و محقق نمودن این اهداف، بالقوه می‌تواند جزء چالشهای جدی این نهاد جدید تربیت معلم در ایران باشد، به ویژه آنکه تنوع رشته‌های تحصیلی[1] در دوره کارشناسی این دانشگاه چشمگیر است.

تأمین نیروی انسانی

تاریخ تحول تربیت معلم در ایران بیان‌گر این دوراندیشی است که پیش و همزمان با تأسیس دارالفنون و زمینه‌سازی برای راه‌اندازی دارالمعلمین، انتخاب تواناترین افراد و اعزام آنان به خارج، در صدر برنامه‌های این نهاد بود. صفی‌نژاد و صفی‌نژاد (۱۳۹۰)، به نکات مهمی از قانون «اعزام محصلین به خارجه» مصوب ۵ خرداد ماه ۱۳۰۷ شمسی اشاره کرده‌اند که به منظور تربیت استاد برای نهاد تازه‌تأسیس دارالمعلمین عالی و تقویت آموزش عالی در ایران وضع شد. در این قانون

۱. در حال حاضر، رشته‌های کارشناسی پیوسته این دانشگاه شامل دبیری شیمی، راهنمایی و مشاوره با دو گرایش مشاوره - فعالیتهای پرورشی، دبیری زیست‌شناسی، دبیری تاریخ، دبیری جغرافیا، دبیری الهیات و معارف اسلامی، آموزش زبان و ادبیات فارسی، تربیت دبیر زبان انگلیسی، دبیری فیزیک، دبیری علوم اجتماعی، آموزش تربیت بدنی گرایش عمومی و دوره متوسطه، ارتباط تصویری، دبیری زبان و ادبیات عرب، دبیری ریاضی و علوم تربیتی با دو گرایش آموزش ابتدایی و آموزش کودکان استثنایی است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]

آمده بود که «عده محصلین اعزامی بایستی همه ساله حداقل صدوسی‌وپنج[۱] درصد برای تحصیل فن تعلیم و تربیت اعزام شوند» و در راستای اجرایی کردن آن، بودجه این طرح و میزان افزایش آن به مدت ده سال، پیش‌بینی شده بود. چنین توجهی به «تربیت معلم»، سبب شد که زمینه مناسب برای توسعه مراکز تربیت معلم در ایران فراهم شود. از این گذشته، تأکید شده بود که «رشته تحصیلی و محل آن، از طرف دولت ایران تعیین می‌شود. اعزامی‌ها باید تابعیت ایران داشته و ایرانی باشند. موظف هستند به اندازه نصف مدت تحصیل را که در خارجه به خرج دولت ایران تحصیل کرده‌اند، در همان رشته تحصیلی در دولت خدمت نمایند». در ادامه، دولت به عنوان متولی این کار، تعهد خود را هم به روشنی اعلام نموده است که «در صورتی که دولت، دانشجویان فارغ‌التحصیل را تا مدت ۶ ماه در همان رشته به خدمت نگمارد، می‌توانند برای خود شغل دیگری تدارک ببینند». با این رویکرد، از مجموع ۱۱۳ نفر بورسیه به خارج در سالهای ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸، تعداد ۳۸ نفر برای رشته تعلیم و تربیت اعزام شدند و همگی تحت راهنمایی بزرگ‌ترین استادان علوم تربیتی جهان آموختند و به اصطلاح، آب را از سرچشمه نوشیدند. در صورتی که در اساسنامه دانشگاه فرهنگیان، تأمین «استاد» از راههای زیر پیش‌بینی و توصیه شده است:

جذب هیئت علمی «دانشگاه» به‌صورت استخدام پیمانی، راتبه تحصیلی (بورس)، طرح سربازی، مأموریت و انتقال از سایر مؤسسات، تبدیل وضعیت استخدامی از پیمانی به رسمی- آزمایشی، از رسمی- آزمایشی به رسمی- قطعی، تبدیل وضعیت از کارشناس به هیئت علمی براساس ضوابط و مقررات مصوب هیئت عالی جذب اعضای هیئت علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی و با ساختار هیئت اجرایی جذب زیر نظر هیئت مرکزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری خواهد بود.

پیامد این آماده‌سازی و این نگاه به نیروی انسانی که مسئولیت خطیر تربیت معلمان کشور به عهده آنان است، کاهش انگیزه برای جوانان توانا و مستعد برای ادامه تحصیل در این دانشگاه است. البته در سالهای اول تأسیس، به دلیل بحران اشتغال به ویژه برای فارغ‌التحصیلان رشته‌های غیرمهارتی از جمله ریاضی، علوم پایه و علوم انسانی و تضمین نسبی شغلی، افراد توانایی جذب دانشگاه فرهنگیان شده‌اند. در حالی که با یک آینده‌نگری ساده، می‌توان پیش‌بینی کرد که اگر

۱. در اصل سند، این عدد به همین شکل آمده است. استنباط نویسندگان این است که درصد نسبی با کل مقایسه شده است. ولی با توجه به اصل سند، بدون قضاوت در مورد این درصد، حاکی از این است که تعداد اعزامیها برای ادامه تحصیل در رشته تعلیم و تربیت، بسیار بیشتر از هر یک از رشته‌های دیگر بوده است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]

کیفیت استادان این دانشگاه برای دانشجویان توانا قانع‌کننده نباشد، این وضعیت دوام نخواهد داشت. در چنان شرایط احتمالی، وزن و نقش «ماده ۲۸» اساسنامه، بیشتر و بیشتر خواهد شد و اهداف تبیین شده در این اساسنامه، قابل تحقق نخواهند بود.

سخن پایانی

مطالعهٔ تاریخ تربیت معلم در ایران و مشاهدهٔ پویاییِ تلاش برای ارتقای آموزش معلمان، غرورآفرین و آموزنده و امیدبخش و در عین حال، هشداردهنده است. آموزنده است، زیرا تاریخ نشان می‌دهد که سیاستگذاران کلان کشور از حدود دو سدهٔ اخیر، چاره ورود به عصر تمدنی جدید و یافتن و تثبیت و گسترش جایگاه خود را در جهان، آموزش و تربیت متخصصان و نخبگان دیده‌اند و خود را ملزم به شنیدن توصیه‌ها و نظرات اندیشمندان نموده‌اند. همچنین، مصلحان تربیتی به درستی واقف بوده‌اند که شروع آموزش رسمی و توسعه و گسترش آن، بدون تربیت معلمان توانا و آشنا به علوم موضوعی و تربیتی روز، امکان فراگیر شدن ندارد. از این رو، زمینه مشارکت فکری و پشتیبانی اجرایی برای تربیت معلم در ایران فراهم آمده و آنچه به اختصار در این مقاله ارائه شد، جهت نشان دادن گوشه‌هایی از این حرکت به قصد درس‌آموزی برای حرکتهای بعدی بود.

در بررسی انجام شده، ملاحظه شد که مأموریت تمام نهادهای رسمی تربیت معلم، تأمین نیروی انسانی برای ورود به عصر تمدنی جدید از طریق گسترش پوشش آموزش همگانی و فراهم نمودن شرایط لازم برای اجباری یا الزامی کردن آموزش کودکان در ایران بوده و هست. با وجود این، در هر دوره و با عنایت به شرایط سیاسی- اجتماعی وقت، جهت‌گیریها، رویکردها و خط‌مشی‌های متفاوتی مورد توجه واقع شده است. در حقیقت این تفاوتها، سبب دگردیسیهای چشمگیری طی این دوره صد ساله شده است و این مقاله، قصد ندارد دربارهٔ بهتر یا بدتر بودن تغییرهای دیدگاهی و ارزیابی عملکرد این نهادها نسبت به یکدیگر، قضاوت کند. در صورتی که این بررسی و دیدن مشابهتها و تفاوتها، می‌تواند بر نوع درس‌آموزی از سیر تاریخی تربیت معلم در ایران، تأثیر مثبت بگذارد و در رفع ابهامها، پرهیز از تکرار اشتباهها و شناخت موفقیتها مؤثر باشد. همچنین این نگاه کمک می‌کند که دلایل جزیره‌ای و منقطع بودن صد سال تلاش بی‌وقفه، ساختنها و از نوساختنهای مکرر و عوامل اثرگذار بر گسستها را عمیق‌تر بشناسیم و باور کنیم که تاریخ، راهنمایی صادق و بی‌ادعاست و اگر از دستاوردهای آن که حاصل خرد جمعی‌مان است، استفاده اصولی نشود، حاصلش خسران، تکرار و اتلاف سرمایه‌ها خواهد بود.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]

منابع

برنامه مصوب کاروزی. سرفصل دروس کاروزی. دوره‌های کارشناسی پیوسته. معرفی درس. (۱۳۹۴). معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی، دانشگاه فرهنگیان.

خلخالی، سید محی‌الدین و تقدیری، سعید. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر معرفی دارالفنون و اقدامات امیرکبیر به روایت منابع و اسناد تاریخی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی. *پیام بهارستان*، ۲ (۱۸)، ۴۷۹-۵۱۱.

شاکر، صمد. (۱۳۹۱). قانون‌گذاری‌های آموزشی و اهمیت آن در مجلس دوم شورای ملی. *پیام بهارستان*، ۲ (۱۸)، ۴۰۲-۴۱۳.

شورایعالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). *اساسنامه دانشگاه فرهنگیان*. تهران: دانشگاه فرهنگیان. قابل بازیابی در: https://cfu.ac.ir/file/2/attach20140434855319542674 6.pdf

صافی، احمد. (۱۳۹۳). مدخل دانش‌سرای‌عالی. *دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۷*.

صدیق، عیسی. (۱۳۵۴). *تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ هفتم.

طاهرنیا، ناصر. (۱۳۹۷). *معلم مصلح: جلوه‌هایی از شصت سال پویش استاد احمد صافی در قلمرو آموزش و پرورش (اندیشه‌ورزان)*. تهران: شرکت سهامی افست.

ظهوری زنگنه، بیژن. (۱۳۹۴). سیر تحول دوره کارشناسی ریاضی در دانشگاه‌های ایران با تمرکز بر دانشگاه صنعتی شریف. *دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۶ (۱۲)، ۹۹-۱۳۴.

عبدالغفارخان نجم‌الدوله؛ نخستین مؤلف کتابهای علمی در دارالفنون. (بی.تا.) وب‌سایت کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

غلام‌آزاد، سهیلا و گویا، زهرا. (۱۳۹۵). شکل‌گیری و تکوین یک برنامه بین‌رشته‌ای دوره تحصیلات تکمیلی: آموزش ریاضی در ایران. *دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۷ (۱۴)، ۳۷- ۵۲.

فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۶). دوازدهمین نشست کافه خرد در مورد «واکاوی نقش و ارتباط آموزش و پرورش و خلقیات ایرانی». *سایت تحلیلی خبری عصر ایران*، کد خبر ۵۴۱۸۳۰، تاریخ انتشار ۱۶ خرداد ۱۳۹۶.

مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه. (بی.تا.). تهران: مطبعه مجلس.

محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۵۴). *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران (جلد اول)*. انتشارات دانشگاه تهران.

_____. (۱۳۵۷). *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران (جلد دوم)*. انتشارات دانشگاه تهران.

_____. (۱۳۶۸). *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران (جلد سوم)* (به کوشش کریم اصفهانیان و جهانگیر قاجاریه). انتشارات دانشگاه تهران.

یغمایی، اقبال. (۱۳۵۷). یادی از معلمان دارالفنون. *ماهنامه آموزش و پرورش*، ۴۷ (شماره ویژه)، ۱۳۲-۱۴۸.

Bowen, G. A. (2003). *Social funds as a strategy for poverty reduction in Jamaica: An exploratory study*. Dissertation Abstracts International. University Microfilms AAT 3130417, Doctoral dissertation, Florida International University, A 65/04, 1557.

_____. (2009). Document analysis as a qualitative research method. *Qualitative Research Journal*, *9*(2), 27-40. doi:10.3316/QRJ0902027

_____. (2016). *An introduction to document analysis.* Triad 3. Retrieved from https://lled500.trubox.ca/2016/244

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]

پیوست الف

قانون اساسی معارف

مادهٔ ۱- مکتب و مدرسه عبارت است از تأسیساتی که برای تربیت اخلاقی و علمی و بدنی ابناء نوع دائر می‌گردد.

مادهٔ ۲- پروگرام مدارس و مکاتب از طرف وزارت معارف معین می‌گردد و باید در پروگرام حیثیت علمی و صنعتی و نشو و نمای بدنی ملحوظ باشد.

مادهٔ ۳- تعلیمات ابتدائیه برای عموم ایرانیان اجباری است.

مادهٔ ۴- طریق تحصیل آزاد است، لیکن هر کس باید آن اندازه از معلوماتی را که دولت برای درجهٔ ابتدایی معین نموده، تحصیل کند.

مادهٔ ۵- هر کس مکلف است اطفال خود را از سن هفت به تحصیل معلومات ابتدائیه وادارد، اعم از اینکه در خانه باشد یا در مدرسه.

مادهٔ ۶- در صورت لزوم طبی یا وجود مانع با اطلاع مأمورین معارف تأخیر شروع در ارسال طفل به مکتب جایز است.

مادهٔ ۷- ملل غیراسلامی در مدارس دولتی حق تقاضای تحصیل مذهب خودشان را ندارند، مجبور به تحصیل شرعیات اسلامی نیز نخواهند بود.

مادهٔ ۸- مکاتب و مدارس بر دو قسم است رسمی و غیر رسمی. رسمی آن است که از طرف دولت دایر شده باشد – غیر رسمی آن است که بانی مخصوص داشته باشد [...] .

مادهٔ ۱۰- کسی که می‌خواهد مدرسه افتتاح کند، باید رعایت شرایط ذیل را بنماید:

۱. مدیر مدرسه کمتر از سی سال نباید داشته باشد؛
۲. بنای مدرسه را موافق ملاحظات حفظ‌الصحه که از طرف وزارت معارف مقرر شده است فراهم نماید؛
۳. در مدارس ابتدایی، مدیر باید دارای تصدیق‌نامه تحصیلات مدارس متوسطه و در مدارس متوسطه، دارای تصدیق‌نامه تحصیلات عالیه باشد؛
۴. مدیر مدرسه باید معروف به سوء عقیده و اخلاق و عادات ذمیمه نبوده، مرتکب جنحه و جنایتی نشده باشد و معلمینی را هم که انتخاب می‌کند باید علاوه بر شرایط مزبوره هر کدام در فن خود تصدیق رسمی وزارت معارف را دارا باشند.[...]

مادهٔ ۱۵ - مدارس و مکاتب بر چهار نوع است:

۱. مکاتب ابتدائی دهکده؛
۲. مکاتب ابتدائی بلدی؛
۳. مدارس متوسطه
۴. مدارس عالیه

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]

مادهٔ ۱۶- هر یک از مکاتب و مدارس چهارگانه پروگرام مخصوص قانونی خواهد داشت و وزارت معارف مسئول اجرای آن پروگرام‌ها است.

ماده ۱۷- پروگرام مکاتب و مدارس ابتدائیه و متوسطه باید تعلیم واجبات دینی را به قدر لزوم شامل باشد.

[...]

ماده ۱۹- در هر ده و در هر محله از قصبات یک مکتب ابتدائی دهکده دایر می شود.

ماده ۲۰- در شهرها برحسب عده نفوس و حاجت اهالی و کفایت مالیه محلیه یک یا چندین مدرسه ابتدایی و متوسطه دایر خواهد شد.

ماده ۲۱- مدارس عالیه در طهران و در مراکز عمده دایر خواهد شد[...].

مادهٔ ۲۸- مجازات بدنی در مکاتب و مدارس ممنوع است.

پیوست ب

قانون اجازه تأسیس دانشسراهای مقدماتی و عالی

ماده اول – دولت مکلف است از اول فروردین ماه ۱۳۱۳ تا مدت پنج سال بیست و پنج باب دانشسرای مقدماتی و یک باب دانشسرای دخترانه در تهران و در ولایات به شرح ذیل تأسیس نماید و دانشسرای عالی پسرانه را که بر طبق قانون مصوب ۱۳۰۸ تأسیس شده است تکمیل نماید:

در سال ۱۳۱۳ تکمیل دانشسرای عالی پسرانه در تهران و تأسیس پنج باب دانشسرای مقدماتی در تهران و در ولایات.

در سال ۱۳۱۴ تأسیس یک دانشسرای عالی دخترانه در تهران و پنج دانشسرای مقدماتی در تهران و در ولایات.

از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ سالی پنج باب دانشسرای مقدماتی در ولایات.

تبصره – از این به بعد مدرسه ابتدایی دبستان و معلم آن آموزگار – مدرسه متوسطه دبیرستان و معلم آن دبیر– مدرسه صنعتی هنرستان و معلم آن هنرآموز – هر شعبه از مدارس عالی (فاکولته) دانشکده و مجموع شعب عالیه (اونیورسیته) دانشگاه و معلم مدارس عالیه استاد نامیده خواهد شد.

ماده دوم – دانشسراهای مذکور در ماده فوق شبانه‌روزی و مجانی خواهند بود لیکن تا زمانی که بنای کافی برای آنها ساخته نشده است وزارت معارف ممکن است آنها را موقتاً به صورت مدارس روزانه تأسیس نماید و لدی‌الاقتضاء به شاگردان آنها بر طبق مقررات خاص خرج تحصیل بدهد.

ماده سوم – دولت مکلف است از سال ۱۳۱۳ تا ده سال اعتباری سالیانه که از پانصد هزار ریال کمتر نباشد در بودجه مملکتی برای بنای دانشسراها منظور نموده همه‌ساله به مصرف مزبور برساند.

ماده چهارم – دانشسراهای عالی برای دبیرستانها و دانشسراهای مقدماتی معلم و معلمه تربیت می‌نماید. شرط اصلی ورود به این مدارس عالیه داشتن تصدیق فراغ تحصیل از دانشسراهای مقدماتی یا تصدیق متوسطه کامل می‌باشد.

دوره تحصیلات آنها کمتر از سه سال نبوده دیپلم ختم تحصیلات آنها علاوه بر مزایای اختصاصی معادل با لیسانس و دارای تمام امتیازات قانونی آن خواهد بود.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]

تبصره (فارغ‌التحصیلهای مدارس عالیه خارجه که در رشته معلمی تحصیل نموده و کمتر از دیپلم لیسانس نداشته باشند از مزایای این قانون نسبت به دبیران استفاده خواهند نمود.)

*پاورقی: به موجب قانون ۳ دی ماه ۱۳۱۳ فارغ‌التحصیلهای دبیرستانهای فلاحتی و لیسانسیه‌های دانشسرای عالی از سابق و لاحق نیز مشمول مقررات این قانون می‌باشند.

ماده پنجم – دانشسراهای مقدماتی برای دبستانها آموزگار تربیت می‌نمایند – شرط اصلی ورود به این مدارس تحصیلات سه ساله اول متوسطه و دوره تحصیلات آنها دو سال و شهادتنامه فراغ از تحصیلات آنها علاوه بر مزایای اختصاصی دارای تمام امتیازات قانونی تصدیق متوسطه کامل خواهد بود.

تبصره ۱ – هر یک از دانشسراها یک دبستان یا یک دبیرستان ضمیمه خواهد داشت که شاگردان سال دوم در آن جا تمرین و ممارست نمایند.

تبصره ۲ – آموزگارانی که دارای تصدیقنامه فراغ تحصیل از دانشسرا نیستند چنانچه به اخذ تصدیقنامه مذکور نائل شوند یا امتحانات علمی و عملی معادل آن بر طبق نظامنامه مخصوص بدهند مشمول این قانون خواهند بود.

ماده ششم – رؤسا و استادان دانشسراهای عالی باید علاوه بر شرایط مقرره در فقرات یک و سه و چهار ماده دوم قانون استخدام کشوری کمتر از سی سال نداشته و به درجه دکتری رسیده باشند لیکن برای رؤسا دانشسراهای مقدماتی حداقل سن بیست و پنج سال و حداقل درجه علمی داشتن تصدیق فراغ تحصیل از دانشسراهای عالی یا دیپلم لیسانس خواهد بود.

تبصره – مادامی که وزارت معارف به عده کافی مستخدمینی که واجد تصدیقهای علمی مذکور در این ماده باشند در اختیار خود نداشته باشد می‌تواند کسانی را که اطلاعات و مقام علمی آنها را کافی می‌داند به ریاست و معلمی این مدارس بگمارد لیکن انتصاب این گونه اشخاص به آن مشاغل آنها را مشمول مقررات مواد ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ این قانون نخواهد کرد.

ماده هفتم – محصلین دانشسراها باید در موقع ورود به مدرسه تعهد کتبی بسپارند که پس از فراغ از تحصیل مدت پنج سال با دریافت مقرری به‌خدمت معلمی اشتغال ورزند و الا از عهده مخارجی که دولت درباره آنها موافقت نموده است برآیند.

ماده هشتم – دولت مکلف است کسانی را که از دانشسراها فارغ‌التحصیل می‌شوند با رعایت شرایط مقرره در فقرات ۱ – ۳ – ۴ ماده دوم قانون استخدام کشوری و ماده هفتم این قانون در سال تحصیلی بعد در مدارس با حقوق به خدمت بگمارد. در سال اول خدمت آنها عنوان آزمایش را خواهد داشت چنانچه وزارت معارف آنها را مستعد شغل معلمی تشخیص ندهد می‌تواند سال بعد آنها را از خدمت معلمی معاف نماید.

ماده نهم – مدیرها و ناظمها و مفتشهای مدارس از بین آموزگاران و دبیرانی که یک سال خدمت کرده باشند انتخاب می‌شوند. ارتقاء و ترفیع آنها مانند معلمین و معلمات است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]

ماده دهم – هر یک از مشاغل دوگانه آموزگار و دبیر از حیث حقوق و سابقه خدمت به ده درجه تقسیم می‌شود. مدت خدمت هر یک از درجات اول و دوم و سوم کمتر از دو سال و در درجه‌های بعد کمتر از سه سال نخواهد بود. ارتقاء از درجه به درجه دیگر منوط به لیاقت و حسن خدمت است که تشخیص آن بر طبق نظامنامه مخصوص خواهد بود و همچنین تأهل در ارتقاء مستخدم از درجه به درجه دیگر مؤثر است.

ماده یازدهم – میزان مقرری درجه اول آموزگاران به موجب قانون بودجه همه‌ساله معین می‌شود – میزان مقرری درجه اول دبیران دو برابر میزان مذکور خواهد بود – مقرری مدارج دیگر هر یک از مشاغل دوگانه آموزگار و دبیر مساوی خواهد بود با مقرری درجه مادون به اضافه خمس آن.

تبصره ۱ – رؤسا و استادان دانشسراهای عالی از حیث درجات و مقررات دیگر مانند سایر کارکنان دانشگاه مشمول قانون جداگانه خواهند بود.

تبصره ۲ – آموزگاران و دبیرانی که از محل اقامت اصلی خود به خارج فرستاده می‌شوند مادامی که در آن محل باقی هستند ممکن است تا دو عشر مقرری خود را به عنوان مدد معاش اضافه دریافت دارند.

ماده دوازدهم – وزارت معارف مجاز است که لیسانسیه‌های فعلی دانشسراهای عالی را که مشمول قانون استخدام کشوری هستند و نیز اشخاصی را که دارای دیپلم کامل متوسطه یا بالاتر بوده و تا اول فروردین ماه ۱۳۱۳ سه سال در مدارس به شغل معلمی یا ناظمی یا مدیری مشغول بوده‌اند مشمول مقررات این قانون قرار داده و رتبه آنها را مطابق آخرین حقوق دریافتی تعیین نماید.

*پاورقی: حقوق مشمولین این ماده به موجب ماده ۱۸ قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۳ تعیین شده است.

ماده سیزدهم – از میان دبیران ممکن است اشخاصی را به خدمات اداری انتقال داد مشروط بر این که این امر با تعهداتی که قبلاً سپرده‌اند مخالفت نداشته باشد و رتبه آنها بر طبق آخرین حقوق دریافتی تعیین می‌شود.

ماده چهاردهم – مواد و فصول ذیل از قانون استخدام کشوری در مورد آموزگاران و دبیران مجری خواهد بود مواد ۷ – ۸ – ۹ – ۱۹ – ۲۸ و فصل‌سوم.

ماده پانزدهم – آموزگاران و دبیران می‌توانند با پنجاه سال عمر و هر قدر سابقه خدمت تقاضای تقاعد نمایند دولت نیز می‌تواند با واجد بودن شرط مذکور و حداقل بیست سال خدمت آنان را متقاعد سازد مابقی شرایط آموزگاران و دبیران بر طبق فصل چهارم قانون استخدام کشوری با رعایت اصلاحاتی که در آن به عمل آمده خواهد بود به استثناء جزء (د) از ماده واحده اصلاحیه ماده ۴۳ قانون مذکور.

ماده شانزدهم – از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین و موادی که با مدلول آن مغایرت دارد درباره آموزگاران و دبیران بی‌تأثیر است.

ماده هفدهم – وزارت معارف برای اجرای این قانون نظامنامه‌های مخصوصی تدوین و پس از تصویب کمیسیون معارف مجلس شورای ملی به‌موقع اجراء می‌گذارد.

*پاورقی: نظامنامه فوق به قرار ذیل در تاریخ ۷ مرداد ماه ۱۳۱۳ به تصویب کمیسیون معارف مجلس شورای ملی رسیده است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.2.1]
[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-07]